

## پاتوق شاعران و نویسندگان دهه چهل

۱۹ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۸:۵۷

کتاب اخیر در واقع برشهایی است از خاطرات و تصاویری که مؤلف از حضور شاعران و نویسندگان به یاد دارد. این کتاب روایت خاطرات دوران جوانی مؤلف است در برخورد با اهالی شعر و داستان، در دهه‌های ۴۰ و ۵۰؛ خاطراتی که عمدتاً در کافه‌های معروف آن زمان یعنی کافه نادری و کافه فیروز شکل گرفته است. در این کتاب به جای آنکه این چهره‌ها را از پشت کتاب‌هایشان ببینیم، سر میز کافه در خلال بحث‌ها و گفتگوها و در پرسه‌زنی‌های شبانه‌شان با آنها همراه می‌شویم.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

... ۴۰ سال از آن روزها گذشته. از برگ برگ خاطرات آخرین مردان کافه نشین. در ذهن‌هایی که امروز بیشترشان غم زده‌اند. حالا حیاط کافه نادری درخت ندارد. اگر هم در آن بایستی و سیگار بکشی، خنکایی ندارد. حوضش آب ندارد. کنار حوض بند کشی دارد که آن روزها نداشته است. حالا تنها می‌توانی ساعت ۱۰ شبه روزی از تقویم بیایی کنار نسل گذشته بنشین و از آن روزها بپرسی و آه بکشی با تداعی این جمله در ذهن «سهم ما از زندگی این است.» بعد هم هجی این غصه که نسل امروز کافه می‌روند. اما نه برای گفتگو و بحث بلکه برای خوردن. انگار کافه‌دارها هم این رو فهمیدن. شاید به همین خاطر است که کافه دارها زمان را اندازه می‌گیرند. اگر هم چیزی نخوری، بیرون می‌کنند؛ دقیقاً با این جمله: سفارش نمی‌دی، هری! چیزی که برای کافه نشین‌های فیروز، فردوسی و نادری عجیب است. برای پرویز ابوالفتحی نویسنده لولی شوم، زمستان بلند بی‌ناقوس عجیب است. برای مجید دانش آراسته که کتاب ستاره کوپرش را در کافه فیروز نوشته عجیب است. برای شاه‌نظریان، عظیم زرین کوب، محمود ناطقی عجیب است. ابوالفتحی که برای ما از خاطراتش با جلال در کافه فیروز و زنگ ورزشش در کافه نوبخت می‌گوید.

کسی که از این اوضاع به تنگ آمده، به صفحه کاغذ گزارش خیره می‌شود و می‌گوید: «بنویس!» می‌نویسم: «شاید همین مسئله باعث شده است که در این سی سال خاطره نداشته باشیم. وقتی که نسلی خاطره مشترک نداشته باشد، آن جمع می‌میرد. اگر هم نمیرد تبدیل به باتلاق می‌شود. دیگه چشمه و سراب نیست. برای خاطره داشتن جامعه باید برنامه‌ریزی داشته باشد. جا و مکان داشته باشد و فرصت ایجاد خاطره را به نسل‌ها بدهد. تا نسلی با نسل گذشته و نسل خودش با خودش خاطره مشترک داشته باشد.» آخرین جرعه قهوه دیگر در فنجان نیست. ادامه دلتنگی: یک جامعه با خاطره پویا و زنده است. انگار دیگر هر شاعر و نویسنده‌ای که می‌میرد، هیچکس جای او را نمی‌گیرد. جامعه فلج می‌شود آن وقت...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20195/چهل-دهه-نویسندگان-شاعران-پاتوق>